

## خجند و خوقند

بقلم آقای محمد قزوینی

در مقاله فاضلانہ آقای صدر ہاشمی مندرج در شماره اول از سال سوم یادگار  
در باب خجندیان اصفہان کہ بشہر خجند از بلاد ماوراء النہر منسوبند در صحنہ ۱۲  
سہوی راہ یافتہ و آن اینکہ شہر خجند را باخوقند بسکی دانستہ اند و چون  
این سہو دیگران را نیز دست دادہ و فی الواقع ہمہ بہ علت قرب جوار نسبی این  
دو شہر بیسکدیسگر و تلفظ نزدیک آنها بہم اگر دقیقی بنحوص بسکار نرود این  
اشتباہ باسانی رخ میدہد توضیح میدہد کہ خجند و خوقند کہ ہردو امروز ہم  
بہمین اسامی در ترکستان غربی روس باقیند و اتفاقاً ہردو نیز از بلاد قدیمی  
ہستند بسکلی با یکدیگر فرق دارند باین تفاوت کہ در قدیم شہرت و اعتبار  
و آبادی خجند بمراتب از خوقند بیشتر بودہ و امروز امر بسکلی بعکس است .  
فاصلہ این دو شہر کہ ہردو بر کنار راہ آہن بین بخارا و اندیجان قرار  
دارند تقریباً قریب بنود میل انگلیسی یا ۱۴۷ کیلو متر است این دو شہر  
ہردو بر کنار سیردریا یعنی سیحون واقع شدہ اند اما خجند غربی تر است و خوقند شرقی تر از  
لحاظ طبیعی خجند جزء ناحیہ سیردریا و خوقند جزء فرغانہ بشمار می آیند لیکن  
از نظر سیاسی ہردو امروز ضمیمہ جمہوری از بسکستان جزء اتحاد جما ہیر  
شوروی محسوبند . خجند مرکز کارخانہ های نساجی پنبہ و ابریشم فرغانہ  
است و ۳۱۰۰۰ نفوس دارد کہ غالباً تاجیک و فارسی زبانند اما خوقند عدد  
نفوسش بر ۷۰۰۰ بالغ می شود و تا قبل از استقلال روس ہا بر ترکستان پایتخت  
فرغانہ محسوب می شدہ و آنجا نیز بہ تجارت ابریشم و پنبہ ممتاز است .

مرحوم رضاقلیخان هدایت که در سال ۱۲۶۸ از جانب میرزا تقیخان امیر کبیر به سفارت بخوارزم رفته در سرنامه خود (ص ۱۰۷) این دو شهر را چنین وصف میکند :

« خجند شهر است از اقلیم پنجم به فرغانه برکنار آب سیحون و که مال خجندی از آنجا بود. اما خوقند از همه بلاد فرغانه اکنون مشهورتر است و دارالملک فرغانه و پادشاه نشین است، امیر بخارا وقتی آنجا را فتح نمود بواسطه سوء سلوک حاکم او را کشتند و با ابنای ملوک خود پیوستند، شیرعلی خان خوقندی امیر و خان فرغانه شد و اکنون خدایار خان از آن سلسله خان خوقند است اما بواسطه استیلا و زبردی بردی از خانی جز نامی ندارد و در معنی محبوس و دست نشاندگی وزیر قفچاقی است »

میرزا سراج الدین بخارا رانی در کتاب « تحف اهل بخارا » که در ۱۳۲۸ قمری تألیف کرده در صفحه ۴-۶ از آن شرح بالنسبه مبسوطی از خوقند و خجند صحبت میکند از آن جمله میگوید که : « خوقند پای تخت مملکت فرغانه میباشد در بسک قرن قبل در دست حکومت اسلامی بود ولی آخرین امرای آن خدایار خان نام بعد از تصرف روس فرار نمود بعد بدست روس افتاده چندی در اورنبوغ نظر بند بود و از آنجا فراراً به بیت الله رفته گویا در آخر به هندوستان بمرض مالیغولیا فوت شده .... از بخارا الی خوقند هفتاد فرسخ راه است، بسا ماشین بسک شبانروز راه میباشد، سمرقند و خجند در عرض راه میباشد، خجند هم بسکی از شهرهای معتبر فرغانه است، نام سنی

قدما چنانکه اشاره کردیم این دو شهر را با هم و رسم میشناخته و جدا جدا از هر بسک اسم برده اند صاحب کتاب حدود العالم که بسال ۳۷۲ تألیف شده در ذکر ماوراءالنهر خجند چنین می نویسد : « خجند شهر است و آن قصبه آن ناحیه است و با کشت و بزر بسیار است و مردمانی با مروت و ازوی انار خیزد » و در باب خوقند که آن را « خوا کنند » ضبط کرده نوشته است : « خوا کندورستان و زند راهش شهر کهنائی اند انبوه با کشت و بزر بسیاری .

(۱) رجوع کنید به حدود العالم چاپ سیدجلال الدین طهرانی ص ۶۸ ضمیمه گاهنامه سال

۱۳۱۴ شمسی و ترجمه انگلیسی این کتاب توسط آقای بروفسور مینورسکی صفحات ۱۱۶ و ۳۰۰ و ترکستان بارتولد ترجمه انگلیسی آن صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸ .

بیاقوت در معجم البلدان (ج ۲ ص ۴۸۷ از چاپ آلمان) در باب خوقند که  
 آن بلاد خواقند، ضبط کرده چنین می نویسد: «خواقند بضم او و بعد  
 از آن الف و قاف مفتوحه و تون سبک و در آخر آن دال نام شهر است در فراغانه  
 و بدانجا منسوبست ابو الطیب طاهری محمد بن جعفر بن الخیر المغزومی خوقندی  
 الغیب و مقری» و در کتاب تاریخ آریانا از ابن بطوطه آمده است که در این  
 کتاب در کتاب الانساب در ذکر نسبت به الخجندی گوید: «خجندی  
 منسوبست بخجندون آن شهر بزرگ و برین معنی است بر کفار سیحون از بلاد  
 مشرق و گاهی نیز باخر آن تائی می افزایند و خجند میگویند و همو در  
 نسبت «الخواقندی» مینویسد: «خجندی»

«خواقندی منسوبست بخواقند و آن شهری است از بلاد فراغانه» و عین همین  
 مطالب را با کم و زیادتی ابن الاثیر در انساب الانساب و ابو الفداء در تقویم البلدان  
 آورده اند و ابن الاثیر در باب خواقند مینویسد که درین کلمه قاف آن یکبار  
 نیز مبدل میشود و این صورت دوم یعنی خواکند همانست که در حدود العالم  
 آمده و در اینک خواقند و خواکند همان خوقند یا خوکند خالیه است.  
 شکی نیست. (۱)

مرحوم فرهاد میرزا در کتاب جوامع الجوامع چنین مینویسد: «فراغانه» یا تخت آنجا  
 اکنون خوقند است و این ولایت بین شمال و مشرق سمرقند واقع شده و شهر  
 دیگر آنجا خجند است که در غربی خوقند در کنار رود خانه سیحون است  
 و هر که از سمرقند بخوقند رود اول از خجند میگذرد و مسافت میان خجند  
 و خوقند تقریباً نود میل است.  
 و همو در جدول طول و عرض بلاد موقع ریاضی این دو شهر را چنین معین میکند:  
 خجند طولش از مبداء کریشیج ۶۸ درجه ۴۵ دقیقه شرقی و عرضش ۴۱ درجه  
 و ۲۲ دقیقه شمالی.  
 خوقند طولش ۷۰ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی و عرضش ۴۱ درجه و ۲۰ دقیقه شمالی.

(اقتباس از یادگار)